حافظ پژمان بختیاری یا حافظ ادیبی تهرانی

خائفی، پرویز

بیابم و بخوانم ولی جز شرح‏حالی بس مختصر نیافتم و نخواندم.امید که در چاپهای‏ بعد بخوانم.

داستانهای منتخب غیور از مثنوی معنوی بحدود کمابیش هشتاد داستان می‏رسد که از تمامی شش دفتر انتخاب شده و با تلخیص مناسب و عینا به شعر ضبط گردیده و چاپ شده است و برای هر داستان عنوان مناسب براساس نسخه نیکلسن گذاشته شده است. برای قطعات و رباعیات و تمثیلات نیز از هر قطعه و رباعی و تمثیل،جمله‏ای برای‏ عنوان آن انتخاب گردیده است.معانی لغات مشکل هم در ذیل صفحات توضیح داده‏ شده است.بااینهمه،انتخاب داستانهای مثنوی و نقل آنها عینا با شعر مثنوی،کاری است‏ که قبلا جمالزاده بصورتی صحیح و منظم و با اسلوب خوبی انتشار داده است.

پرویز خائفی

(شیراز)

حافظ پژمان بختیاری یا حافظ ادیبی تهرانی

مدتی پیش دیوانی از اشعار حافظ با تجلیدی فریبنده بدستم افتاد و طبق معمول‏ نسخه‏ای از آنرا خریدم و بخانه بردم،ضمن بررسی کوتاه و نگاهی به آغاز کتاب بزودی‏ دریافتم که این نسخه از چاپ دیوان حافظ را قبلا دیده‏ام و احتمالا در مجموعه حافظ های من وجود دارد.خیلی زود چاپ اول نسخه دیوان حافظ با تصحیح و تحشیهء شادروان‏ پژمان بختیاری را یافتم،تاریخ چاپ دیوان حافظ پژمان 1318 است و چنانچه اهل فن‏ مشاهده کرده‏اند مقدمه‏ای مفصل دارد و در ضمن غزلهای مشکوک و منسوب را با علامت اختصاری«مش»و«من»رده‏بندی کرده است و غزلهای ملمع حافظ را نیز بصورتی‏ که مصاریع و ابیات عربی برای خواننده آسان شود تحت اللفظی معنی کرده است.پاورقی‏ او نیز دوگونه است:قسمتی را ویژه اختلاف نسخ و ابیات الحاقی قرار داده و قسمتی را هم مخصوص به معانی لغات مشکل غزل کرده است.

این کتاب که به چاپهای متعدد رسید،تا شادروان پژمان زنده بود هر چاپی با چاپ‏ قبلی تفاوت داشت.مقدمه را که قسمتی از آن شرح داستانهای منتسب به حافظ بود بکلی‏ برداشت و علامت‏های اختصاری را نیز حذف کرد بطوریکه آخرین چاپ دیوان حافظ پژمان با چاپ اول کاملا متفاوت بود و در سفری که به شیراز داشت متذکر شد که چاپ‏ اول اغلاط بسیار دارد و کلا می‏بایست تغییر می‏کرد و چنین نیز کرد.در چاپ نخستین‏ حتی غزلهائی از دیگران مانند اوحدی مراغه‏ای،سلمان ساوجی و...نیز با ذکر نام‏ شاعر و تذکر این نکته که گوینده و سراینده دیگری است ولی بنام حافظ شهرت یافته، آوده است.لزومی نمی‏بینم که در اینجا خصوصیات چاپ نخستین دیوان حافظ پژمان‏ را یادآوری کنم اما بجهت منظوری که دارم خلاصه‏ای از آن ضروری بود.

تاریخ چاپ دیوان حافظ جدید که عینا جدید که عینا از روی نسخه پژمان عکس‏برداری شده به نام ادیبی تهرانی است که تاریخ چاپ آن 1362 است و عجیب این است که حتی‏ غلطهای چاپی نیز در چاپ مجدد تصحیح نشده است و چون شادروان پژمان در پایان‏ دیوان عبارات و استعارات صوفیه را شرح کرده بود.و فهرست اعلام نیز داشت،مصحح‏ جدید و ناشناس باکمال شهامت در صفحه اول کتاب این نکته را بدین صورت:به انضمام‏ شرح‏حال حافظ و شرح عبارات صوفیه و فهرست اعلام،تذکر داده است.

خلاصه این کتاب که توسط انتشارات نوین،چاپ هنر،تجدید چاپ شده هیچ‏گونه‏ تفاوتی با دیوان حافظ پژمان حتی در شماره‏گذاری صفحات نشده است تنها خط پشت‏ جلد کتاب شکسته نستعلیق امروزی است و نام حسین پژمان بختیاری هم به ادیبی تهرانی‏ مبدل شده است.\* نام این کار را من نمیدانم چه بگذارم.سرقت ادبی،کلاهبرداری،استفاده از بازار آشفته،سرمایه اندوزی و نظائر اینها یا چیز دیگر.

دیوان حافظ پژمان را چاپخانه شرکت تضامنی علمی و کتابفروشی ایران چاپ‏ و توزیع کرده است،در صورتیکه مصحح جدید یا ناشر جدید در پایان صفحه اول‏ نوشته‏اند حق چاپ محفوظ.

شادروان پژمان در ص 327 زیر عنوان غزلیات الحاقی نوشته است:قسمتی از غزلهای منسوب به حافظ که هنگام چاپ از نظر دور مانده بود و با غزلهای بیمایه و ضعیفی که از فرط سستی و رکاکت شایسته نبود که با آثار آسمانی آن بزرگوار در یک‏ ردیف قرار گیردد،زیر عنوان بالا[غزلهای الحاقی‏]بطبع می‏رسد.

ص 359 قطعات مشکوک و ص 363 قطعات منسوب به خواجه آمده است.در این‏ اشعار گوینده اغلب با بیانی معمولی و گاه بسیار سست و حتی قوافی تکراری درخواست‏ کمک و مساعدت از بزرگان زمان کرده است،که گفته از کیفیت بیان محتوا و مضمون‏ آن نیز دور تفکر و اندیشه حافظ و بی‏نیازی و وارستگی ذاتی اوست.

در این دیوان اشعاری از حافظ شانه‏تراش،نزاری قهستانی،سلمان،ملک جهان‏ خاتون،خواجو،هروی،اوحدی،عماد،شاه نعمت الله ولی،امیر معزی و سعدی شیرزای‏ نیز آمده است که همهء آنها در چاپهای بعدی برداشته شده است.

در صفحات 385 و 395 مثنوی و مخمس و ترجیع و ترکیب و رباعی هم آمده‏ است که پژمان نوشته است شاید متعلق به حافظ باشد و از دسترس دور مانده.مثلا این‏ رباعی سلمان که در دیوان اوست در حافظ پژمان نقل شده.

جز نقش تو در نظر نیامد ما را جز کوی تو رهگذر نیامد ما را خواب ار خوش آمد همه را در عهدت‏ حقا که بچشم درنیامد ما را

این قصیده مسعود سعد هم در قسمت اشعار الحاقی آمده است:

تنم ز رنج فراوان همی بفرساید دلم ز انده بی‏حد دمی نیاساید

از سعدی شیرازی غزل معروف:برخیز تا طریق تکلف‏ها کنیم-دکان معرفت‏ بدو جو پربها کنیم نیز آمده است.

(\*)نمونهء دیگرش چاپ لندن از«خاطرات و تألمات»مصدق است(آینده)

بهر صورت کتاب با آنهمه اشتباهات که همه در چاپهای بعدی برداشته و تصحیح‏ شده است دوباره بنام مصحح دیگری ببازار آمده و گفتنی است که مصحح جدید در پایان شرح عبارات صوفیه خواسته جمله‏ای از خود بر آن بیفزاید و در همان جمله کوتاه‏ نیز«منسوب»را«منصوب»نوشته است بدین شکل«جمله توضیحی:ابیاتی که با حرف‏ میم مشخص شده مشکوک و ابیاتی که با«من»علامت‏گذاری شده منصوب!به حافظ است.»

بگذریم،در این مقوله کارهای بسیاری شده و کسانی که براستی شایستگی و حقانیت‏ آمدن بمیدان حافظشناسی را نداشته‏اند از این بازار سود بسیار برده‏اند.

سیما چهره‏نگار

ترجمهء گیتا نجالی تاگور

چندی پیش مقاله‏ای از آقای احمد اقتداری در معرفی کتاب«گیتا نجالی و زندگی‏نامهء رایین‏ درانات تاگور»نوشته آقای حسن شهباز در مجله انتشار یافت(شمارهء آبان سال 1364)،پس از آن از خانم سیما چهره‏نگار مقاله‏ای مفصل رسید در انتقاد از آن نوشته.ایشان آن نوشته را نقد دانسته بودند در صورتی که«معرفی»بود نه«نقد».

از نوشتهء انتقادی خانم چهره‏نگار قسمتی را که در نقد ترجمهء گیتا نجالی‏ست و حکایت از دقت‏ ایشان دارد نقل می‏کنیم.

\*\*\* در ترجمهء کتاب«گیتانجالی»که متن انگلیسی آن در برابر ترجمهء فارسی چاپ شده و باصطلاح‏ دو زبانه است،خواننده به موارد و نکاتی برمی‏خورد که به ناگزیر در«صحت و دقت»ترجمه و برگرداندن روح اصلی اثر به فارسی تردید می‏کند.به دو سه نمونه کوچک از این موارد توجه کنیم:

ترجمهء کتاب:این گل را شاید و قرآن نباشد که در گل‏آویز تو مکان گیرد.

متن انگلیسی:. it may not find a place in the garland ترجمهء درست:شاید که در حلقه گلبند تو جائی نیابد.

\*\*\* ترجمهء کتاب:دوران سفرم دراز است و راهم پایان نیافتنی.

متن انگلیسی:. the time that my journey takes is long and the way of it long ترجمهء درست:زمانی که سفر من به طول می‏انجامد دراز است و راه آن هم دراز.

\*\*\* ترجمهء کتاب:ساعتهای تهی از هیجان بر ساحل می‏خزند(؟)و دریغا که بر من می‏گذرند.

متن انگلیسی: the languid hours pass by on the shore-alas for me! ترجمهء درست:ساعتهای بیهوده بر ساحل سپری می‏شوند-افسوس بر من!(باید زورق را به آب‏ اندازم.)